



Investigating the Phenomenon of Sham Contracts in Islamic Repurchase Agreement (Repo) Instruments in Iran's Interbank Market

 Morteza Mortezaei Khakhki¹✉, Seyed Mahdi Moalemi², Mohammad Amin Ghadamyari³

1. Assistant Professor, Department of Economics, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: Dr.mortazavi@razavi.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran. Email: mahdi_moalemi@miu.ac.ir
3. Master's student, Department of Economics, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: amin.ghadamyari313@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Received: 7 December 2023

Received in revised form: 20 April 2024

Accepted: 4 April 2025

Available online: 19 April 2025

Keywords

interbank market; sham contracts; criteria for contract falsification; interest-free banking; Islamic repurchase agreement (repo)

Abstract

The formalization of banking contracts represents one of the most detrimental challenges in riba-free banking. Investigating the existence of sham contracts is essential not only in bank–non-bank customer agreements but also within the interbank market. This research employs a descriptive methodology with an ijtihādī (juristic reasoning) approach to examine the potential for sham contract phenomena in Islamic repurchase agreements (repos) within Iran's interbank market. Through library research and an analytical-deductive method, six criteria for sham contracts—derived from the opinions of Islamic jurists (fuqahā)—were systematically established. Applying these criteria to the operational guidelines of the interbank market reveals that the Islamic repo instrument is susceptible to sham contracting, as evidenced by: Parties' lack of awareness regarding contractual terms, Frivolous collusion (muḥābat mabtazil), Non-adherence to customary prerequisites of genuine contracts, Discrepancy between contractual title and actual content. Consequently, the repo mechanism in this market faces significant challenges related to contractual formalization.

Cite this article: Mortezaei Khakhki, M.; Moalemi, S., M.; Ghadamyari, M., A. (2025). Investigating the Phenomenon of Sham Contracts in Islamic Repurchase Agreement (Repo) Instruments in Iran's Interbank Market, *Islamic Economics Doctrines*, 1(2), 299-324.

<https://doi.org/10.30513/ied.2025.5601.1218>





بررسی پدیده قراردادهای صوری در ابزار توافق بازرخريد (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی ایران

مرتضی مرتضوی کاخکی^۱، سید مهدی معلمی^۲، محمدامین قدمیاری^۳

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: Dr.mortazavi@razavi.ac.ir
amin.ghadam-^۲. استادیار، گروه فقه و اصول، جامعة المصطفی، مشهد، ایران. رایانامه: mahdi.moalemi@miu.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: yari313@gmail.com

چکیده

صوری سازی عقود بانکی یکی از زیان بارترین معضلات بانکداری بدون ریاست. بررسی وجود قراردادهای صوری نه تنها در عقود بانکی بین بانک و مشتری غیربانکی؛ بلکه در بازار بین بانکی ضرورت دارد. این تحقیق با روشی توصیفی و رویکردی اجتهادی به بررسی امکان وجود پدیده قراردادهای صوری در ابزار توافق بازرخريد (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی ایران می پردازد. بر این اساس، ۶ معیار صوری سازی قراردادها مبتنی بر آرای فقها از طریق مطالعات کتابخانه ای و به شیوه تحلیلی - استنباطی سازمان یافته است. تطبیق این معیارها بر دستورالعمل اجرایی بازار بین بانکی نشان می دهد: معیارهای عدم آگاهی طرفین از مفاد قرارداد، محاببات مبتذل، عدم التزام به لوازم عرفی قرارداد واقعی و عدم تطابق عنوان و معنوی در قرارداد بر ابزار توافق بازرخريد در بازار بین بانکی نیز صدق کرده و لذا این ابزار با معضل صوری سازی قرارداد مواجه است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۰

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۲/۳۰

کلیدواژه‌ها

بازار بین بانکی، صوری سازی
قراردادها، معیارهای قرارداد
صوری، بانکداری بدون ربا، ابزار
توافق بازرخريد (ریپو) اسلامی.

استناد: مرتضوی کاخکی، مرتضی؛ معلمی، سید مهدی؛ قدمیاری، محمدامین. (۱۴۰۴). بررسی پدیده قراردادهای صوری در ابزار توافق بازرخريد (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی ایران، آموزه های اقتصاد اسلامی، ۱(۲)، ۳۲۴-۳۹۹.

<https://doi.org/10.30513/ied.2025.5601.1218>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



مقدمه

یکی از معضلات جامعه کنونی در پیمان‌ها و قراردادهای مختلف اقتصادی، صوری‌سازی قراردادهاست که یکی از طرفین به انگیزه‌های مختلف اقدام به نقض مفاد قرارداد می‌کند و موجب خسارت خود و ضرر دیگران می‌شود. این معضل اقتصادی امروزه در نهادهای مختلف اقتصادی، از جمله در نهاد مهمی مانند بانک مشاهده می‌شود. مطابق قانون بانکداری بدون ربا کلیه عقود بانکی باید به نحوی سامان یابند که ربا از نظام بانکی حذف گردد، ولی در عمل یکی از اصلی‌ترین و زیان‌بارترین معضلات که بانکداری بدون ربا صوری‌سازی عقود بانکی است. امکان وجود قراردادهای صوری نه تنها عقود بانکی (شامل مشتریان و صاحبان حساب و بانک‌ها) را در برمی‌گیرد، بلکه بازار بین‌بانکی را که بخش بسیار مهمی در اقتصاد محسوب می‌شود نیز شامل می‌شود.

بازار بین‌بانکی^۱ بخشی از بازار پول است که در آن بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جهت تأمین مالی کوتاه‌مدت و ایجاد تعادل در وضعیت نقدینگی خود، با یکدیگر وارد معامله می‌شوند. مهم‌ترین وظایف بازار بین‌بانکی را می‌توان به ایفای نقش فعال و مؤثر بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی از طریق راهبری نرخ‌های سود، رفع مشکلات نقدینگی کوتاه‌مدت بانک‌ها، برقراری ارتباط صحیح و نظام‌مند میان بانک‌ها، کاهش ریسک نقدینگی در بانک‌ها، کاهش کسری اتاق پایاپای بانک‌ها و ممانعت از اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی اشاره نمود. (موسویان و شمسی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۸۲)

در بانکداری متعارف، بانک مرکزی با ابزارهایی می‌تواند به صورت غیرمستقیم در بازار پول دخالت کند. آن ابزارها عبارت است از: سپرده قانونی، نرخ تنزیل و عملیات بازار باز (Ugolini, 2017, 2/221) بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی وارد می‌شود و از طریق عملیات بازار باز عرضه و تقاضای ذخایر را به نحوی مدیریت می‌کند که نرخ بهره راجع بازار به سمت نرخ بهره سیاستی (هدف) رهنمون شود. در نتیجه مدیریت نرخ بهره کوتاه‌مدت، تورم موجود نیز به سمت تورم هدف بانک مرکزی هدایت می‌شود و هدف غایی سیاست‌گذار پولی را تأمین می‌کند. (Bind- seil, 2014, 1/84) اصلی‌ترین ابزاری که بانک مرکزی جهت اجرای عملیات بازار باز استفاده می‌کند، توافق بازخرید یا همان ریپو است. (الهام و شاه‌چراغ، ۱۴۰۱: ۵۱۳/۲) ریپو توافقی بین دو

1. Interbank Market

طرف است، به طوری که یک طرف اوراق بهادار خود را به قیمت مشخص به طرف دیگر می فروشد و هم زمان تعهد می کند که همان اوراق فروخته شده را به قیمتی مشخص (قیمت ابتدایی به همراه بهره) و در تاریخ مشخصی در آینده باخرید کند. (همان: ۵۱۴/۲)

بعد از شروع به کار کردن بازار بین بانکی در ایران، به دلیل این که ابزارهای بازار بین بانکی متعارف ربوی بودند و از آنجا که در ایران طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، ابزارها باید ماهیت غیرربوی داشته باشند، (موسویان و الهی، ۱۳۹۰: ۹۶/۳۸) اندیشمندان اسلامی ابزارهایی اسلامی طراحی و پیشنهاد کردند تا ضمن حفظ کارایی بازار بین بانکی، مانع از ربوی شدن معاملات شوند. اساس طراحی این ابزارها غیرربوی بودن آنهاست، زیرا از لحاظ حقوقی ابزارهای مورد استفاده در بازار بین بانکی متعارف مبتنی بر قرض با زیاده است که از نظر اسلام ربا محسوب می شود؛ بعلاوه این که کارایی این ابزارها بهتر خواهد بود، چون با بخش حقیقی اقتصاد سروکار دارد. (عیوضلو و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

ابزارهای متداول در بازارهای بین بانکی عبارت اند از: اسناد خزانه، گواهی سپرده، وجوه فدرال، توافق نامه باخرید، اوراق تجاری، پذیرش بانکی، استقراض از بانک های مرکزی، قرض های دلار اروپایی و سپرده شبانه. (موسویان و الهی، ۱۳۹۰: ۹۴/۳۸) این ابزارها به دلیل مواجهه با پدیده ربا در بانکداری بدون ربا قابل استفاده نیستند و از همین رو در سال های اخیر، با توجه به اهمیت بازار بانکی، اندیشمندان اسلامی ابزارهایی مانند قرارداد باخرید (ریپو) را به نحوی تغییر داده اند که از ربا دور باشد، ولی به کارگیری این ابزار در بازار بین بانکی با شبهه صوری سازی مواجه است. لذا باید با استفاده از معیارهای صحیح، وجود معضل صوری سازی را در بازار بین بانکی بررسی کرد.

این تحقیق با روشی توصیفی و رویکردی اجتهادی، به بررسی امکان وجود پدیده قراردادهای صوری در ابزار توافق باخرید (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی ایران می پردازد. بر این اساس، با تطبیق ۶ معیار صوری سازی قراردادها مبتنی بر آرای فقها، بر دستورالعمل اجرایی بازار بین بانکی، از طریق مطالعات کتابخانه ای و به شیوه تحلیلی - استنباطی سامان یافته است. در این راستا، ابتدا به بررسی تحقیقات مرتبط با صوری سازی قراردادها در نظام بانکی کشور، به خصوص در قراردادهای بین بانک و مشتریان غیربانکی پرداخته ایم. سپس تحقیقات انجام شده در زمینه ابزار توافق باخرید در بازار بین بانکی را بررسی می نماییم و بعد، مبانی

نظری تحقیق را با معرفی ابزار توافق بازرخرد اسلامی آغاز می‌کنیم و معیارهای استخراج شده از منابع فقهی در زمینه صوری سازی را معرفی خواهیم کرد. در بخش سوم، مبتنی بر معیارهای شش‌گانه شناخت قراردادهای صوری، به بررسی وجود یا عدم صوری سازی قراردادها (که نتیجه وجود حیل‌های حرام ریاست) در ابزار توافق بازرخرد (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی ایران خواهیم پرداخت. در بخش چهارم، نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

با وجود ادبیات فراوان در حوزه ضرورت و مسائل بازارهای بین بانکی، تاکنون تحقیقی که صوری بودن قراردادها در بازارهای بین بانکی را مطالعه کند به چشم نمی‌خورد. با این حال دو دسته از مطالعات را می‌توان به عنوان پیشینه این تحقیق دسته‌بندی نمود. بخش اول تحقیقات موجود درمورد صوری سازی قراردادها در نظام بانکی کشور، به خصوص در قراردادهای بین بانک و مشتریان آن متمرکز هستند که در آن‌ها معیارها و تجاربی در خصوص صوری سازی بیان شده است و بخش دوم تحقیقات انجام شده در زمینه ابزار توافق بازرخرد هستند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

قراردادهای صوری در نظام بانکی ایران

محمدحسن حقیقی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، پس از ارائه تعریفی جامع و مانع از صوری سازی با بهره‌گیری از روش مصاحبه با نخبگان با در اختیار داشتن این تعریف و با بهره‌گیری از روش متن‌کاوی، به استخراج علل صوری سازی قراردادها و اهمیت سنجی آن‌ها در آرای صاحب نظران و نخبگان می‌پردازد. او در این تحقیق، ۴۴ علت برای صوری بودن قراردادهای رایج در بانکداری ایران شناسایی می‌کند و در چهار دسته: ۱. علل درونی در سطح نظریه؛ ۲. علل درونی در سطح اجرا؛ ۳. علل درونی در سطح نظارت؛ ۴. علل بیرونی سطح بندی می‌شوند. در ادامه، با استفاده از نتایج پرسش‌نامه طیف لیکرت که توسط سه تیم یازده نفره از نخبگان (مجموعاً ۳۳ نفر) تکمیل شده است و با انجام آزمون فریدمن، سطح اهمیت علل شناسایی شده نسبت به یکدیگر را بررسی می‌نماید. نتایج این آزمون، از اهمیت بالاتر علل بیرونی نسبت به علل درونی حکایت دارد.

محمدتقی نظر پور و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «شاخص‌های صوری شدن معاملات در

عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس» بیان می‌کند که اصل قانون عملیات بانکی بدون ربا کاملاً مطابق با شرع مقدس است، ولی نتایج مربوط به برآورد شاخص‌های صوری شدن معاملات نشان می‌دهد که بیش از نیمی از معاملات بانکی در شعب بانک تجارت مشهد صوری است.

سید مجتبی قاسمیان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با مطالعه موردی یکی از شعب بانک شهرستان ساری، میزان صوری بودن قراردادهای بانکی به تفکیک عقود مورد استفاده بانک‌ها را بررسی کرده است و یکی از مشکلات اجرایی بانکداری اسلامی در ایران را امکان صوری شدن قراردادها (در هر دو دسته عقود مشارکتی و مبادله‌ای) و در نتیجه ربوی و غیراسلامی شدن فعالیت‌های اجرایی بانک بیان کرده است، به گونه‌ای که در عقود مشارکتی، مشارکت واقعی شکل نمی‌گیرد و به صورت صوری روابط طراحی می‌شود یا در عقود مبادله‌ای فاکتورسازی صوری جای مابازای واقعی را می‌گیرد.

عاطفه دریانکاری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با مطالعه موردی بانک ملی رشت، میزان صوری‌سازی قراردادهای بانکی را بررسی کرده است. وی با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌های کارکنان و مشتریان نشان می‌دهد که اکثر کارکنان آموزش‌های لازم را ندیده‌اند و این خود زمینه بسیاری از مشکلات، از جمله نداشتن احساس مسئولیت در مقابل اسلامی بودن قراردادها و... است. همچنین اکثر مشتریان با عقود اسلامی آشنایی نداشته‌اند و متن قراردادهای بانکی برای آن‌ها رسا نبوده است و این باعث شده که آن‌ها به مفاد عقود توجه نداشته باشند و قصد طرفین وارد شدن در قراردادهای بانکی نباشد و در نتیجه، بیش از نیمی از معاملات در این بانک‌ها صوری شود.

اکبر حیدری (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به بررسی عوامل صوری شدن عقود مبادله‌ای بانکی و راه‌های جلوگیری از آن‌ها از دیدگاه فقه و حقوق اقتصادی پرداخته است و اقدامات و تدابیری را که منجر به جلوگیری و کاهش این عقود می‌شوند در آن تشریح کرده است. شهنازی و پناهی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز» نشان می‌دهد، صوری شدن عقود بانکداری اسلامی هم در عمل و هم در ذهنیت مشتریان و کارکنان بانک بسیار زیاد است. بر اساس نتایج پرسش‌ها، مشتریان و کارکنان بانک عمدتاً تفاوتی میان نرخ بهره و سود بانکی در

بانکداری فعلی قائل نیستند و بانکداری فعلی را با بانکداری ربوی یکسان می‌دانند. از طرفی مواردی که سبب صوری شدن عقود می‌شود، از جمله عدم اطلاع از نوع عقد، فاکتورسازی و عدم مشارکت واقعی بانک در عقود مشارکتی، از نظر مشتریان و کارکنان بانکی در سیستم فعلی بانکداری بسیار زیاد است.

احد قلی‌زاده منقوطای (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وضعیت حقوقی انواع معاملات صوری و باتبانی ورشکسته؛ عدم هماهنگی کامل موجبات بطلان معاملات ورشکسته با موجبات به تقصیر شدن ورشکستگی» بیان می‌کند که درباره وضعیت حقوقی انواع معاملات صوری و باتبانی ورشکسته با توجه به مطرح بودن موضوع در قانون مدنی، قانون تجارت و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، دیدگاه‌های متفاوت و ابهاماتی وجود دارد. دقت در مفاد مواد مربوط به آن قوانین نشان می‌دهد که از نظر قانون‌گذار، اصل بر صوری نبودن معاملات ورشکسته است، مگر این‌که صوری بودن آن‌ها ثابت شود. معاملات صوری، اعم از این‌که ظاهراً توسط خود ورشکسته یا دیگری منعقد شده باشند باطل‌اند. ایشان معتقدند قانون‌گذار برخلاف انتظار، هماهنگی کامل میان موجبات بطلان معاملات ورشکسته و موجبات به تقصیر شدن ورشکستگی او را رعایت نکرده است.

طراحی ابزار توافق بازخريد

موسویان و الهی (۱۳۸۹) در مقاله «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی» ضمن بررسی ابزارهای رایج بازار بین‌بانکی در بانکداری سنتی و مرور ابزارهای رایج بازار بین‌بانکی در کشورهای اسلامی و تبیین بازار بین‌بانکی در ایران، با توجه به اصول و قواعد اسلامی، از جمله غیرربوی بودن ابزارها، کارایی و رقابت‌پذیری بالای ابزار اسلامی نسبت به ابزارهای متعارف مبتنی بر قرض ربوی، تطابق با فقه امامیه و قابلیت اجرایی ابزار، بسته‌ای از ابزارهای معامله‌های بین‌بانکی در حد تأسیس بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی را پیشنهاد کرده‌اند.

موسویان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «توافق‌نامه بازخريد (ریپو) در بازار بین‌بانکی اسلامی» نشان می‌دهد که توافق‌نامه بازخريد رایج با اصلاح‌هایی در موضوع و شرط‌های قرارداد و تحت عنوان توافق‌نامه بازخريد اسلامی می‌تواند در بازار بین‌بانکی اسلامی استفاده شود.

سلمانی قرائی و محمدی (۱۳۹۵) در گزارشی پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی توافق‌نامه بازخريد اوراق بهادار (ریپو) و امکان‌سنجی راه‌اندازی آن در بورس اوراق بهادار تهران»، پس

از تبیین مفصل ماهیت ریپو و انواع آن، به تجربه کشورهای کره جنوبی، ژاپن، استرالیا، اروپا و آمریکا در این زمینه پرداخته و در نهایت، امکان سنجی راه اندازی بازار ریپو را بررسی کرده است. از نظر وی، راه اندازی این بازار منوط به طراحی اوراق متناسب با قواعد فقهی و حقوقی ایران و از ضروریات است و با توجه به ظرفیت های قانونی امکان استفاده از این ابزار در ایران نیز وجود دارد.

نظر پور، نوری و رضایی دوائی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «طراحی جایگزین های توافق نامه باخرید در چارچوب عملیات بانکداری بدون ربا»، قرارداد جایگزین را مبتنی بر بیع می دانند، نه قرض. این مقاله بیان می دارد که وجود شرط باخرید در بیع اول موجب تبدیل شدن قرارداد به «بیع العینه» می شود و ربوی است. بنابراین نمی توان از این ابزار در بانکداری بدون ربا استفاده کرد. ایشان در ادامه سه راهکار بیع الخيار، صندوق مشترک بین بانکی و وجود شخص ثالث با ماهیت وکالت در بازار بین بانکی را به عنوان جایگزین ریپو مطرح می کنند.

عشایری منفرد (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «حکم فقهی باخرید شرط شده در ضمن عقد بیع؛ مطالعه موردی قرارداد ریپو»، پس از تحلیل چالش های شرعی این قرارداد، یعنی احتمال مخالفت با روایات حرمت بیع العینه مشروط، احتمال مخالفت با روایات نهی انجام دو بیع در بیع واحد و احتمال مخالفت شرط باخرید با مقتضای ذات عقد بیع، به این نتیجه رسیده است که طبق ضوابط فقه امامیه این چالش ها در توافق باخرید اساساً وجود نداشته و قرارداد مذکور از جهت شرط ضمن عقد، هیچ مشکل شرعی ای ندارد. بنابراین از نظر ایشان نیازی به ارائه مدل جایگزین اسلامی نیست.

الهام و شاه چراغ (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل فقهی توافق باخرید موسوم به ریپو» این ابزار را در مقام نظر و اجرا واکاوی فقهی. تحلیلی کرده است و چهار شبهه بیع العینه، شرط خلاف مقتضای عقد، عدم تطابق اراده ظاهری با اراده واقعی و دو بیع در بیع واحد بررسی شده است. نتایج این تحقیق بیان می کند که ریپو از نظر ماهوی با بیع العینه و دو بیع در بیع واحد تفاوت دارد و اراده ظاهری طبق مصوبه شورای فقهی بیع است و اصل نیز تطابق اراده ظاهری و اراده واقعی است و شرط باخرید خلاف مقتضای اطلاق عقد است و باطل نیست. همچنین در مقام اجرا و اثبات، باید به چند نکته توجه کرد که اصلی ترین آن رفع ارتکاز ذهنی طرفین معامله به سبب اعمال علی الدوام اختیار معامله در توافق باخرید منطبق با شریعت است.

با مرور پیشینه تحقیقات انجام شده، شاهد آن هستیم که مسئله صوری سازی قرارداد بازخرید در بازار بین بانکی تاکنون به صورت مستقل بیان نشده و تنها در برخی از مقالات راه‌هایی برای حل مخالفت شارع با برخی از شرایط در این توافق‌نامه مطرح شده است. ما در این پژوهش به مسئله صوری سازی به صورت ویژه خواهیم پرداخت.

۱. مبانی نظری

یکی از ابزارهای بازار بین بانکی ایران که توسط اندیشمندان اسلامی ارائه گردیده است، ابزار توافق‌نامه بازخرید (ریپو) اسلامی است. توافق بازخرید (ریپو) اسلامی، مبادله‌ای است که در آن، یک طرف اوراق بهادار خود را به طرف دیگر می‌فروشد و در ضمن آن تعهد می‌کند در سررسید مشخص یا در زمان مطالبه تا سررسید مشخص، آن اوراق یا مشابه آن اوراق بهادار را به قیمت مشخصی معامله معکوس کند. (موسویان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶) مطابق تعریف فوق، تفاوت توافق بازخرید اسلامی با متعارف اینست که «ریپو»ی متعارف بر پایه قرض است، اما ریپو اسلامی بر پایه فروش (بیع). همچنین موضوع قرارداد «ریپو»ی متعارف اکثراً اوراق قرضه یا اوراق مبتنی بر بهره است که از دید اسلامی خرید و فروش آن‌ها اشکال دارد، اما موضوع قرارداد ریپو اسلامی باید مشروعیت لازم برای انجام معامله را داشته باشد، مانند اوراق سهام، اوراق مشارکت، انواع صکوک اسلامی یا اسناد خزانه اسلامی. (همان، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

مطالعات بازارهای بین بانکی در جهان نشان می‌دهد که توافق‌نامه بازخرید اسلامی (ریپو) نقش مهمی در مدیریت نقدینگی کوتاه‌مدت فعالان بازار پول و سرمایه داشته و دشواری‌های ناشی از جریمه اضافه برداشت بانک‌ها و نیز استقراض از بانک مرکزی را برطرف می‌کند (همان، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

برای آن‌که بتوان ریپو را از نظر صوری بودن بررسی نمود، باید معیارهایی برای شناخت قراردادهای صوری و غیر آن بازشناخت. این معیارها باید طبق ضوابط شرع مقدس و مبتنی بر مبانی فقهی باشند تا بتوان بر اساس آن‌ها، پدیده‌ها را بررسی و حکم کرد. با مراجعه به آرای فقها مشخص می‌گردد که مهم‌ترین قاعده فقهی که می‌توان با کمک ادله آن به شناخت معیارهای صوری سازی اقدام نمود، قاعده «تبعیت عقد از قصد»^۲ است. این قاعده بدین

۲. العقود تابعه للقصود.

معناست که عقد و قرارداد نمی‌تواند بدون قصد تحقق پیدا کند، چنان‌که فقها در بحث شرایط عقود این مطلب را تصریح نموده‌اند و «قصد» را شرط تحقق عقد دانسته‌اند. طبق این معنا، قصد رکن عقد است؛ یعنی قوام عقد منوط به قصد است و عقد بدون قصد، محکوم به بطلان خواهد بود. اگر قصد نباشد، عقدی نیست، چون معنا ندارد که تابع بدون متبوع تحقق یابد. (آهنگران، ۱۳۹۲: ۱۵۹/۱) علاوه بر این‌که آثار خاص هر قراردادی از قصد خاص آن تبعیت می‌کند و متعاقدان هر قصدی داشته باشند، حکم و اثری متناسب بر قصدشان مترتب خواهد بود، آثاری همچون تملیک، تعهد. همچنین کیفیت هر یک از این آثار مثل فوریت، تراخی، لزوم، جواز، تنجیز، تعلیق، اطلاق، و تقیید، تابع قصد خاص است. در قراردادهای صوری اصل تبعیت دچار مشکل می‌شود و به عبارت دیگر آنچه واقع می‌شود مخالف مقصود بوده و آنچه قصد شده است واقع نمی‌شود. حال از آنجا که عقد با هر قصدی دارای آثار خاص خود است و تفاوت این آثار با تفاوت در نحوه قصد آشکار می‌گردد، باید این مبنا را در جهات مختلف بررسی نمود و معیارهای قرارداد صوری را مبتنی بر این ایده اولیه و با استفاده از منابع شرعی به دست آورد. به همین منظور با مراجعه به آثار فقها، معیارهای شش‌گانه‌ای استخراج می‌شود که تفصیل آن به شرح زیر است:

۱-۱. عدم آگاهی طرفین از مفاد قرارداد

از دیدگاه عرف و عقلاییکی از نشانه‌های قرارداد صوری، عدم آگاهی یکی از طرفین از مفاد قرارداد است، برای مثال کسی که فقط برگه قرارداد را امضا می‌کند و از عنوان قرارداد و مفاد مندرج در آن خبر ندارد و نمی‌داند این قرارداد مشارکت است یا مضاربه یا بیع یا...، عرف و عقلا به صورت آشکار کشف می‌کنند که چنین فردی به دلیل عدم آگاهی از عنوان و مفاد قرارداد، به طریق اولی قصد آن قرارداد را هم نداشته است و در نتیجه این قرارداد صوری است.

بنابراین بارزترین مصداق قراردادهای صوری، آن قراردادهایی است که طرفین تنها نام عقدی را تلفظ می‌کنند یا بر روی کاغذ می‌نویسند، اما هیچ اطلاعی از مفاد آن ندارند. (معلمی، ۱۴۰۲: ۸۳/۴۹) برای نمونه، برخی مشتریان یا کارکنان سیستم بانکی کشور صرفاً اسامی عقود شرعی (جعاله، مساقات، مزارعه و سلم) را می‌دانند، اما از حقیقت آن اطلاعی ندارند. بعلاوه این‌که مطابق یکی از تحقیقات انجام گرفته ۲۹/۷ درصد از مراجعان و ۵۵/۸ درصد از کارمندان بانک، آشنایی اجمالی با عملیات بانکی بدون ربا دارند. (مصباحی، ۱۳۷۳: ۱۰۳) آیت الله جوادی آملی نیز بیان می‌کند: «شروط ضمن عقد نباید مجهول

باشد. اگر جهل به شرط موجب غرر در بیع گردد، بطلان آن را در پی دارد، چراکه طبق روایت «نهی النَّبِیِّ عَنْ بَیْعِ الْمُضْطَرِّ وَ عَنْ بَیْعِ الْغَرَرِ» که این نهی، نهی وضعی است و ارشاد به بطلان است،^۳ مفهوم کلام ایشان این امر را می‌رساند که باید عقد و شرایط آن شفافیت لازم را داشته باشد تا طرفین با اطلاع کامل آن را امضا کنند.

فصل سوم قانون بانکداری بدون ربا قراردادهایی معین را برای ارائه تسهیلات توسط بانک‌ها تعریف نموده است. به موجب ماده ۱۱ قانون مدنی نیز، هر قرارداد در صورتی که شرایط اساسی صحت معامله مطابق با ماده ۱۹۱ قانون مدنی، از جمله قصد و رضای طرفین را داشته باشند و برخلاف قوانین نباشند، از هر حیث معتبر شناخته می‌شوند. بنابراین اگر ارکان عقد در قراردادهای بانکی نیز موجود باشند، به موجب این قانون معتبر و مشروع هستند. در عین حال این ماده قانونی به صراحت به یکی از ارکان اصلی قراردادهای یعنی قصد و رضای طرفین قرارداد اشاره دارد. در صورت ابهام در قرارداد، امکان اثبات قصد نیست. ابهام در قرارداد از معضلات اصلی در قراردادهای از حیث فقهی و حقوقی است. در فقه امامیه نیز چنانچه ابهام مفاد قرارداد موجب جهل غرری شود، سبب بطلان قرارداد خواهد بود. (المحقق النراقی، ۱۴۱۵: ۳۲۸) چنان‌که محقق نراقی در این مورد ادعای اجماع کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «ان كان الجهل موجبا للغرر فبطلان البيع به محل الإجماع»،^۴ برای مثال در جایی که طرفین تنها نام عقدی را تلفظ می‌کنند یا روی کاغذ می‌نویسند و هیچ اطلاعی از مفاد آن ندارند و فقط اسم قرارداد را می‌شناسند، نمی‌توان قصد را برای ایشان مفروض گرفت. طبق تحقیقات انجام شده، حدود ۷۰ درصد مشتریان بانک‌ها بدون اطلاع از مفاد قراردادهای اقدام به امضای اسناد ارائه شده توسط بانک می‌کنند. این امر در عقود مختلف کمی متفاوت است، به عنوان مثال تنها ۱۳ درصد متقاضیان فروش اقساطی، اطلاع از مفاد قرارداد دارند و ۸۷ درصد بدون اطلاع هستند. (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲/۳) این امر نشان می‌دهد که مشتریان از مفاد قراردادی که امضا می‌کنند اطلاع کافی ندارند و این محل اشکال است.

۲-۱. محاببات مبتذل

بیع در لغت به معنای دادوستد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۱۷۹) و در اصطلاح حقوقی به معنای خرید و فروش است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹) محاببات مصدر باب مفاعله، از ریشه «حبو» و در لغت به معنای یاری دادن، عطا کردن و بخشیدن به کسی بلاعوض آمده است. (همان) از نظر اصطلاحی، فروش کالا

۳. جوادی آملی، عبدالله، «آرشیو درس خارج فقه خیارات، مبحث بیع»، سال ۱۳۹۲.

۴. نراقی، احمد بن محمد، مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

به کمتر از بهای متعارف (ثمن المثل) یا خریدن آن به بیشتر از قیمت متعارف را بیع محاباتی می‌گویند. به لحاظ این که اقدام هریک از فروشنده و خریدار به فروش یا خرید کالا به قیمتی کمتر یا افزون‌تر از قیمت بازار، نوعی بخشش و هدیه به طرف دیگر به شمار می‌رود. به این نوع دادوستد بیع محابات اطلاق می‌شود که در حقیقت نوعی بیع و هبه است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۹۴/۱)

از دیدگاه فقیهان شیعه، عقد محاباتی سه صورت دارد:

صورت اول: طرفین قرارداد به دلیل امور عاطفی یا هر امر انسان‌دوستانه و عقلایی، اقدام به بیع محاباتی نمایند که در این صورت امری جایز و مشروع تلقی می‌گردد. (هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۷۸)

صورت دوم: قرارداد محاباتی به دلیل جهل یا غفلت یکی از طرفین از ارزش واقعی کالا یا خدمات، انجام گیرد. در چنین قراردادی از نظر فقهی، مغبون دارای خیار غبن است و می‌تواند معامله را فسخ نماید.

صورت سوم: اگر طرفین قرارداد با علم و عمد، در شرایطی اقدام به قرارداد محاباتی نمایند که عرف متشرعه، آن را صوری تلقی کند (محابات مبتذل). این قرارداد نیز باطل است. برای نمونه کسی که مبلغی قرض داده است و در کنار آن، یک شیء کم‌ارزش را به چندین برابر قیمت واقعی، به صورت نسیه می‌فروشد، در واقع برای فرار از ربا از این حيله استفاده کرده است و انگیزه واقعی وی همان اخذ مازاد در قرارداد قرض است. این معامله غیرعقلانه و سفیهانه است و روشن است که اگر معامله عقلایی نباشد، مشروع نیست، چون منظور از «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» عقدهای عقلانی متعارفه است، همچنان که منظور از بیع در «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» معاملات عقلانی متعارفه است. از نظر عرف چنین معامله‌ای فاقد قصد انشای واقعی است و تنها برای پوشش شرعی قرض ربوی، به طور صوری انجام گرفته است. (معلمی، ۱۴۰۲: ۸۷/۴۹)

امکان وجود محابات مبتذل در عقود بانکی نیز وجود دارد. به عنوان مثال در عقد مرابحه که یکی از عقود اسلامی نظام بانکی است، بانک کالایی را با منابع خود از تولیدکننده خریداری می‌کند و آن را به متقاضیان خویش به صورت نسیه (اقساطی) می‌فروشد. چنانچه بانک برای کسب سود بیشتر، کالای خود را با قیمت بسیار بالاتر از حد متعارف نسیه بازار بفروشد یا هنگام خرید کالا آن را با قیمت بسیار نازل خریداری کند، محابات مبتذل صورت گرفته است و عملاً عقد مرابحه به شکل صوری درمی‌آید.

۳-۱. عدم التزام به لوازم عرفی قرارداد واقعی

لوازم در لغت به معنای ضروریات و در عرف به معنای رسم و رسوم به کار می‌رود (بندریگی، ۱۳۷۵:

۳۵۷/۲) بنابراین معنا و مفهوم اصل «اعتبار لوازم عرفی و قانونی» در علم حقوق آن است که طرفین معامله نه تنها نسبت به چیزی که در مورد آن توافق نموده‌اند ملزم هستند، بلکه باید به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و قانون از قراردادشان حاصل می‌شود پایبند باشند. در نتیجه، طرفین معامله پس از انعقاد قرارداد، نسبت به مورد عقد، لوازم و نتایج عرفی عقد و لوازم و نتایج قانونی عقد، ملزم و پایبند هستند. (صفایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸/۱) در قراردادهای واقعی، عُقلا به تناسب اهمیت و مقدار مورد قرارداد، در تعیین قیمت، بررسی شروط و اطلاع از جزئیات آن، رفتار و عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دهند که در قراردادهای صوری شاهد آن نیستیم و همین نکته می‌تواند شاخصی برای شناخت قرارداد صوری از قرارداد واقعی باشد. عقلا در خرید کالاهای اساسی با قیمت بالا، مانند مسکن، جواهرات، اتومبیل و... نسبت به قیمت و کیفیت آن دقت فراوان به خرج می‌دهند و پس تحقیق و بررسی و مقایسه آن با موارد مشابه، شروع به چانه‌زنی می‌کنند تا بتوانند کالای مورد نظر خود را به قیمت مناسب خریداری نمایند. برای نمونه، در برخی قراردادهای بانکی مشاهده می‌شود که بانک اقدام به خرید نقدی ساختمان یا اتومبیل می‌نماید و در قرارداد دیگری همان کالا را به طرف مقابل به صورت نسیه می‌فروشد. با این همه، در هیچ‌کدام از قراردادهای پیش‌گفته، بانک اطلاعاتی از قیمت ساختمان در منطقه ندارد و صرفاً بر اساس بهره‌ای که باید در طول مدت بازپرداخت از مشتری بگیرد قیمت‌گذاری می‌نماید. آشکار است که چنین خرید و فروش‌هایی صوری است، زیرا اگر متصدیان حسابگر بانک به طور واقعی می‌خواستند چنین ساختمانی خریداری کنند، عکس‌العمل‌ها و رفتارهایی انجام می‌دادند که در قرارداد بانکی هیچ‌کدام از آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

۴-۱. لغو حکم شارع با عقود درهم‌تنیده

در برخی موارد، قراردادی از سوی شارع تحریم شده و فاقد مشروعیت است. با این همه، برخی با انجام چند معامله درهم‌تنیده، عملاً در پوشش قراردادهای شرعی به مقصود حقیقی خود دست می‌یابند. در این گونه موارد، یا انشای چند عقد به طور هم‌زمان انجام می‌شود یا یک عقد به شرط انشای عقد دیگر صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که حتی با فرض پایبندی به عقود موجود در این معامله، عرف عملاً بین این معامله ترکیبی و قرارداد تحریم شده از سوی شارع تفاوتی نمی‌بیند. (معلمی، ۱۴۰۲: ۹۰) دلیل حرمت بیع العینه در اسلام نیز دو امر است. اول این که عقود درهم‌تنیده در آن واحد استفاده شده است و دوم این که قصد واقعی طرفین برای انجام معامله محرز نیست. طرفین قرارداد (در بحث ما، بانک مرکزی و مؤسسات اعتباری) با انجام چند معامله درهم‌تنیده،

عملاً در پوشش قراردادهای شرعی به مقصود حقیقی خود دست می‌یابند، هرچند به صورت دقیق معلوم نیست که قرارداد حق اختیار خرید و حق اختیار فروش به مثابه شرط در ضمن قرارداد اول گنجانده شده است یا یک قرارداد انضمامی است. (عشایری منفرد، ۱۳۹۸) در هر حال، چنانچه به صورت شرط باشد، شبهه بیع العینه وجود دارد و اگر به صورت قرارداد انضمامی باشد، مقصود ما اثبات می‌شود. در این گونه موارد، مانند بیع العینه یا انشای چند عقد به طور هم زمان، شیخ طوسی نقل کرده است که پیامبر از انجام دو بیع در بیع واحد نهی کرده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ [...] عَنْ بَيْعَيْنِ فِي بَيْعٍ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۳۰). در مؤثقه عمار نیز آمده است: «فَأَنَّهُمْ [...] عَنْ شَرْطَيْنِ فِي بَيْعٍ» (همان، ص ۳۲۱) در منابع اهل تسنن نیز آمده است که «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ عَنْ بَيْعَتَيْنِ فِي بَيْعَةٍ» (مالک، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۹۵۷).

۵-۱. عدم تطابق عنوان و معنوی در قرارداد از نظر عرف متشرعه

در مواردی طرفین برای رسیدن به مقصود خود، از عناوینی استفاده می‌کنند که عرف به راحتی درمی‌یابد مقصود اصلی آن‌ها عنوان دیگری است و برای پوشش شرعی این قرارداد، به صورت لفظی و نه واقعی، از عنوان خاصی استفاده کرده‌اند. برای نمونه، طرفین قرارداد به جای انجام عقد قرض ربوی، اسکناس را به قیمت بیشتر به صورت نسیه خرید و فروش می‌کنند. استدلال ایشان این است که اسکناس از معدودات به شمار می‌رود و بر اساس نصوص معتبر شرعی، معامله آن به مبلغ بیشتر ربوی نیست. روایات معتبری در حد استفاضه وارد شده که مضمون آن‌ها این است: ربا معامله فقط در مکیل و موزون جاری است، مانند صحیحۃ عبید بن زراره از امام صادق ع که فرموده‌اند: «لَا يَكُونُ الرِّبَا إِلَّا فِي مَا يَكَالُ أَوْ يوزَنُ». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۱۳۳/۱۸) همچنین یکی از شرایط صحت عقد این است که طرفین مفاد عقد را مشخص کرده و با آگاهی کامل آن را امضا کنند، اما در مواردی دیده می‌شود که یکی از طرفین، به دلیل عدم شفافیت اطلاعات قرارداد، شرطی را در عقد به سود خویش لحاظ می‌کند، در حالی که آن شرط با ماهیت عنوان عقد مطابقت ندارد. برای مثال در مضاربه، بانک پول را برای کار تجاری در اختیار فرد قرار می‌دهد و شخص باید آن را در خرید و فروش کالا صرف کند، اما در مقام عمل، شخص آن مبلغ را برای اموری غیر از خرید و فروش صرف کند و این امر با ذات عقد مضاربه در تنافی است. عدم تطابق عنوان و معنوی، یعنی برای رسیدن به مقصود خود از عنوانی استفاده می‌کنند که عرف به راحتی درمی‌یابد مقصود اصلی آن‌ها عنوان دیگری است.

۶-۱. اطلاع از وجود مستندات و فاکتورهای غیرواقعی

در قراردادهای بانکی گاهی اتفاق می‌افتد که متقاضی برای دسترسی سریع‌تر و راحت‌تر به تسهیلات، فاکتورسازی می‌کند، به عنوان مثال شخص با ارائه مدارکی جعلی یا نشان دادن کارگاهی اجاره‌ای، درخواست تسهیلات اشتغال‌زایی می‌کند و پس از دریافت آن تسهیلات، در جایی غیر از تولید از آن پول استفاده می‌کند، مثلاً گفته می‌شود عقد فروش اقساطی منحصر در لوازم خانگی است. شخص متقاضی برای دریافت تسهیلات مجبور است فاکتوری صوری تهیه کند و پول را برای مصارف دیگری از بانک دریافت کند.

۲. بررسی معضل صوری‌سازی در قرارداد توافق بازخرید (ریپو) اسلامی در بازار بین بانکی

حال که معیارهای شناخت قراردادهای صوری مشخص شد و از سوی دیگر، توافق بازخرید اسلامی و ارکان آن نیز معرفی گردید، مناسب است تا این معیارها برای بررسی صوری بودن یا نبودن، بر این قرارداد تطبیق داده شود. به همین منظور دستورالعمل اعلامی بانک مرکزی در انتشار و مبادله این اوراق ملاک بحث قرار گرفته است و با توجه به کمبود منابع آماری و عدم تمایل به مصاحبه نقش‌آفرینان این حوزه، به تطبیق معیارهای قرارداد صوری بر همین دستورالعمل اکتفا می‌گردد.

۱-۲. عدم آگاهی طرفین از مفاد قرارداد واقعی در ابزار توافق بازخرید

همان‌طور که در دستورالعمل اجرایی عملیات بازار باز آمده، توافق بازخرید مبتنی بر عقد بیع است و عقد بیع عقدی است که به موجب آن، دارایی پایه در ازای قیمت مشخصی بین بانک مرکزی با مؤسسه یا مؤسسه با مؤسسه دیگر مبادله می‌شود. از شرایط صحت عقد بیع مشخص بودن مبیع و مضمن است.

در توافق بازخرید بین بانکی، قیمت فروش اوراق از طرف بانک دارای کسری مشخص است، اما قیمت مبنای دارایی پایه^۵ مطابق دستورالعمل قیمت مبنای اوراق بهادار، قیمت پایانی در آخرین روز کاری فرابورس ایران است که این قیمت هم‌اکنون معین نیست و در آینده معین می‌شود و تحقق می‌یابد. از طرفی دیگر، در ماده ۹ شیوه‌نامه استفاده از توافق بازخرید منطبق با شریعت بیان شده است که «قیمت فروش در قرارداد بیع و قیمت‌های اعمال در قراردادهای اختیار خرید و اختیار فروش به

۵. قیمتی است که اساس محاسبات تسویه نقدی یا فیزیکی اختیار خرید یا فروش در تاریخ سررسید است.

صورت توافقی بین طرفین تعیین می شود.» این خود نوعی عدم آگاهی به مفاد قرارداد است و قیمت روز فروش اوراق توسط خریدار در آینده مشخص نیست.

دلیل اهمیت این قیمت این است که در اقتصادهایی که دچار شوک های زیاد و غیرقابل پیش بینی هستند و تزلزل قیمتی وجود دارد، پیش بینی قیمت اوراق را در آینده دچار ابهام می کند و میزان خطای پیش بینی را افزایش می دهد. در ایران نیز که اقتصاد در معرض شوک های مختلف (به ریشه های مختلف داخلی و خارجی) قرار دارد، امکان تعیین میانگین قیمتی برای آینده بسیار مشکل به نظر می رسد و می توان آن را به نوعی بیع غرری به شمار آورد. بیع غرر به اتفاق عامه و خاصه باطل است و حدیث نبوی به بطلان آن تصریح می کند: «نهی النبی عن بیع الغرر.» در تفسیر این حدیث گفته اند: مانند بیع پرنده در هوا و ماهی در آب، (ابن قدامه، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۵۱) چون امکان دارد در تاریخ سررسید هنگامی که خریدار اوراق اقدام به فروش آن ها می کند، قیمت اوراق در بورس تفاوت فاحشی با قیمت پیش بینی شده داشته باشد و این خود نوعی زیان محسوب می شود.

نکته دیگر این است که در قرارداد ابهام وجود دارد؛ یعنی در تعبیر طراحان قرارداد توافق باخرید اسلامی نیز شفافیت کافی وجود ندارد و به صورت دقیق معلوم نیست که قرارداد حق اختیار خرید و حق اختیار فروش به مثابه شرط در ضمن قرارداد اول گنجانده شده است یا یک قرارداد انضمامی است (عسایری منفرد، ۱۳۹۹)، چون اگر شرط ضمن قرارداد اول باشد، این امر به بیع العینة مشروط شباهت دارد و دارای اشکال خواهد بود، ولی اگر قراردادی انضمامی باشد، در صورتی که شرط ضمن عقد نباشد، مشکلی پیش نخواهد آمد. اگر شرط ضمن عقد قرار گیرد، به نظر برخی از فقها دور لازم می آید؛ یعنی صحت عقد دوم متوقف بر مالکیت مشتری است (چون مشتری تا مالک نشود نمی تواند بفروشد) و مالکیت مشتری نیز متوقف بر صحت بیع اول است. صحت بیع اول نیز طبق قرارداد متوقف و مشروط به عقد دوم است. (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۸۱).

۲-۲. محاببات مبتذل در ابزار توافق باخرید

در اصلاحیه دستورالعمل مذکور که در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۱۲ به تصویب کمیسیون اعتباری بانک مرکزی رسیده است، در بند «ب» از ماده ۵ بیان می کند: «قیمت مبادله اوراق طبق توافق طرفین تعیین می گردد.» اگر بانک فروشنده اوراق قیمتی بسیار بالاتر از قیمت متعارف بر اوراق خود تعیین کند یا این که بانک خریدار قیمت گذاری خیلی کمتری نسبت به قیمت واقعی اوراق اعمال کند، مابه التفاوتی که بر اثر

فاصله قیمت‌گذاری دو طرف به وجود می‌آید، بیشتر از حد عرفی است و این امر احتمال غری شدن معامله را زیاد می‌کند و زمینه برای صوری سازی قرارداد فراهم می‌شود.

۳-۲. عدم التزام به لوازم عرفی قرارداد واقعی در ابزار توافق بازخريد

بر اساس شیوه‌نامه اجرایی ابزار توافق بازخريد که بانک مرکزی آن را ابلاغ کرده است، در لوازم عرفی عقد بيع که شامل مشخص بودن ثمن و مثنی و تاریخ سررسید و تحویل اوراق به خریدار و... است مشکلی وجود ندارد، اما بانک‌ها می‌توانند با توافق بازخريد نزد یکدیگر سپرده‌گذاری کنند.^۶ سپرده‌گذاری نوعی امانت‌گذاری است که مالکیت در آن برای سپرده‌پذیر موضوعیت ندارد و در بهترین حالت می‌تواند وکالت سپرده‌ها را قبول کند. در حالی که در دستورالعمل بانک مرکزی فقط بيع بیان شده است، نه وکالت و این نوعی تناقض است، چراکه در صورت وکالتی بودن منابع، باید اولاً در سررسید، اوراق به صاحبش بازگردد و بانک خریدار نمی‌تواند آن را به شخص دیگری غیر از مالک اوراق بفروشد، در حالی که اختیار خرید و فروش، این امر را نمی‌رساند و دلالت بر این دارد که بانکی که اوراق در دست او است می‌تواند به مؤسسه‌ای غیر از صاحب اولیه اوراق آن را بفروشد. پس لوازم عرفیه قرارداد در محل بحث ما دارای ابهام است که خود زمینه‌ساز بروز معضل صوری سازی است.

۴-۲. لغو حکم شارع با عقود درهم‌تنیده در ابزار توافق بازخريد

توافق بازخريد قرارداد تنها در قالب یک عقد منعقد نمی‌شود، خصوصاً زمانی که واسطه بین بانک‌ها بانک مرکزی باشد. در ماده ۸ دستورالعمل اجرایی توافق بازخريد بیان شده است: «مجموعه قراردادهای مربوط به توافق بازخريد منطبق با شریعت توسط اداره حقوقی بانک مرکزی تنظیم شده است.» همچنین بیان می‌کند: «تسویه قراردادهای اختیار خرید یا فروش در سررسید صرفاً از طریق نقل و انتقال مالکیت دارایی پایه و بدهکار یا بستانکار کردن حساب جاری مؤسسه نزد بانک مرکزی انجام می‌شود.» در این سطر ما می‌بینیم که توافق بازخريد شامل مجموعه‌ای از قراردادها است نه یک قرارداد. بانک مرکزی بعد از اعلام درخواست فروش اوراق توسط بانک دارای کسری منابع؛ به خریداران اطلاع می‌دهد و بعد از تعیین خریدار بین ایشان قرارداد فروش در قالب عقد بيع تنظیم می‌کند.^۷ این پایان قضیه

۶. شیوه‌نامه استفاده از توافق بازخريد منطبق با شریعت، ماده ۲، ص ۲۷.

۷. دستورالعمل اجرایی عملیات بازار باز، نحوه انجام معاملات، ماده ۳، ص ۲۸.

نیست. در مرحله بعد، بانک مرکزی قرارداد اختیار خرید را منعقد می‌کند^۸ و سپس در مرحله بعد، قرارداد اختیار فروش منعقد را می‌کند.^۹ این مراحل متوالی را بانک مرکزی انجام می‌دهد و ضمن این‌که وجه تضمین هم در ذیل این قراردادها به توافق طرفین رسیده است و نزد بانک مرکزی بلوکه می‌شود. اگر ماده ۱۴ این دستورالعمل را هم اضافه کنیم امکان تشکیل بازار ثانویه نیز برای توافق با خرید منطبق با شریعت امکان‌پذیر است. پس یکی از مشکلات توافق با خرید، عقود درهم‌تنیده و توافقات مختلف در ذیل یک عقد است که موجب پیچیدگی عقد می‌شود. این پیچیدگی در صورت عدم نظارت دقیق و مستمر، زمینه صوری‌سازی و سوءاستفاده طرفین معامله را فراهم می‌کند، ضمن این‌که به صورت شفاف مشخص نیست که اختیار خرید و فروش در قراردادی انضمامی شکل می‌گیرد. با وجود این، مشخص نبودن شرط یا قرارداد انضمامی دلیل بر صوری بودن نیست.

۲-۵. عدم تطابق عنوان و معنوی در قرارداد از نظر عرف متشرعه در ابزار توافق با خرید

در توافق با خرید باید مشخص شود که اوراق اول که فروش می‌رود با اوراق دوم که در سررسید بفروش می‌رسد با هم «مشابه» اند یا همان اوراق سابق معامله خواهد شد. توافق با خرید مبتنی بر عقد بیع است و شرطی که در ذیل این بیع می‌شود این است: تعهد خرید مجدد با قیمتی معادل قیمت اوراق یا بالاتر از آن را در سررسیدی معین توسط فروشنده. چنانچه اوراق فروخته شده توسط بانک (خریدار اوراق اولی) مشابه اوراق اول باشد، می‌توان پذیرفت که این قرارداد ظاهراً بلاشکال است، اما چون ارزش این اوراق مساوی است و در عرف این اوراق با یکدیگر هیچ تمایزی ندارند، می‌توان گفت که در عمل همان ارزش و همان ورقه با همان تعهدات به طرف دیگر انتقال می‌یابد. بنابراین شباهت آن به عینۀ مشروط بسیار زیاد خواهد بود. اگر اوراق عیناً همان اوراق سابق با ارزش مساوی اولیه باشد، این امر مصداق بیع عینۀ مشروط است که در متن دستورالعمل نیز این امر نهی نشده است و بانک می‌تواند همان اوراق یا مشابه آن را تعهد نماید که این امر از نظر فقهای امامیه مردود است. لازم به ذکر است که منظور از بیع العینۀ مشروط، عینۀ ای است که عقد دوم در عقد اول شرط شده باشد

۸. همان، ماده ۴، ص ۲۸.

۹. همان، ماده ۵، ص ۲۸.

و مشتری عینه ملتزم شده باشد که کالا را حتماً به خود فروشنده بفروشد. عینه مشروط مورد مخالفت برخی از روایات (یکی از حسین بن منذر و دیگری از علی بن جعفر) قرار گرفته است. در روایت حسین بن منذر آمده است: «إِذَا كَانَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ بَاعَ وَإِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ وَ كُنْتَ أَنْتَ أَيْضاً بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ اشْتَرَيْتَ وَإِنْ شِئْتَ لَمْ تَشْتَرِ فَلَا بَأْسَ»؛ وقتی فروشنده اختیار [کافی] داشته باشد [که] اگر خواست، بفروشد و اگر خواست نفروشد و تو نیز اختیار [کافی] داشته باشی [که] اگر خواستی بخری و اگر نخواستی نخری، [در معامله] هیچ اشکالی وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۲) و در روایت علی بن جعفر نیز آمده است «إِذَا لَمْ يَشْتَرِطْ وَ رَضِيَ فَلَا بَأْسَ»؛ اگر طرفین قرارداد شرط نکنند و [خودشان بدون شرط] راضی شوند، هیچ اشکالی ندارد. (علی بن جعفر، ۱۴۰۹، ص ۱۲۹) مفهوم روایت نخست این است که اگر فروشنده یا مشتری اختیار کافی نداشته باشند (اختیارشان به وسیله شرط محدود شده باشد)، در این صورت معامله اشکال دارد. مفهوم روایت دوم نیز آن است که اگر بازرخید در عقد اصلی شرط شده باشد و متعاقدين رضایت باطنی (بدون شرط) نداشته باشند، معامله اشکال دارد. حرمت بیع عینه مشروط افزون بر روایات، به اجماع فقیهان امامیه نیز قابل استناد است. (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۸۱).

برای رفع مشکل عینه مشروط، به جای تعهد خرید از لفظ اختیار خرید و فروش استفاده شده است، پس عنوان بیع به ظاهر درست می‌شود، اما آنچه در عمل انجام می‌شود این است که اولاً در تاریخ سررسید، مالک اوراق مجدداً بانک فروشنده است و اختیار فروش به دیگران توسط بانک خریدار اوراق به صورت لفظی وارد شده است. مؤید این امر آن است که در صورت عدم انجام تعهد بانک فروشنده یا خریدار وجه تضمین توسط بانک مرکزی به اجرا گذاشته شده و به حساب بانک ذی حق واریز می‌شود. به عبارتی ملکیت اوراق توسط بانک خریدار، محدود و وابسته به انجام تعهدات خود (فروش به صاحب اوراق یا از طرف فروشنده تعهد به خرید مجدد اوراق) است که این امر با ذات بیع در تنافی است. چنان‌که مرحوم کاشف الغطا می‌فرماید:

آنچه شرط منافعی با مقتضای عقد شمرده می‌شود شرطی است که با جوهر عقد منافات داشته باشد، به طوری که در کنار چنین شرطی، اصلاً امکان قصد کردن عقد توسط عاقد وجود نداشته باشد» (کاشف الغطا، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۷۷). مثال محل بحث ما نیز مشمول این فرمایش است.

باید گفت اگر دو معامله وابسته به هم باشند، حتی اگر این وابستگی به صورت غیرمستقیم باشد، باز هم اشکال بیع العینه وجود دارد، پس باید دو معامله از همدیگر انفکاک محتوایی داشته باشد؛ یعنی انجام معامله دوم کاملاً مستقل از معامله اول باشد، نه این که شخص در تاریخ سررسید ملزم به انجام معامله ای برخلاف میل باطنی داشته باشد. بنابراین در توافق باخرید منطبق با شریعت مشکل عدم تطابق عنوان و معنوی به چشم می خورد و صوری سازی قرارداد بر آن صادق و محتمل است.

محققان ایرانی برای برون رفت از مشکل شبیه شدن توافق باخرید به عین، مشروط، توافق باخرید را به قرارداد حق اختیار خرید و حق اختیار فروش تبدیل کرده اند. از آنجا که توافق باخرید مبتنی بر عقد بیع است. هنگامی که عقد بیعی صورت می گیرد، ثمن و مثنی مبادله شده و مثنی به ملکیت خریدار درآمده است، پس شخص مالک مختار است از حیث زمانی و مکانی به هر کس که بخواهد، ملک خود را بفروشد، اما در ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی این گونه بیان شده است: «در صورتی که اختیاردهنده (خرید یا فروش)، تعهدات خود را در مقابل دارنده اختیار ایفا ننماید، اقدامات زیر توسط بانک مرکزی انجام می شود:

الف) مابه التفاوت قیمت اعمال و قیمت مبنای دارایی پایه، از وجه تضمین اختیاردهنده، کسر و به حساب دارنده اختیار واریز می گردد.

ب) وجه تضمین دارنده اختیار و مانده وجه تضمین اختیاردهنده، به حساب آن ها مسترد می گردد.» این بخش از دستورالعمل حاوی چند نکته است:

وقتی لفظ اختیار خرید و فروش بکار می رود، گرفتن وجه تضمین برای الزام شخص فروشنده یا خریدار منتفی است، چون بیان کرده است که مابه التفاوت قیمت اعمال و قیمت مبنای دارایی پایه از وجه تضمین کننده کسر و به حساب دارنده اختیار واریز می کند. این امر نشان می دهد که در عنوان قرارداد اختیار خرید و فروش آمده است، اما در معنوی قرارداد که در عرصه عمل اجرایی می شود، وجه تضمینی به نفع شخص مقابل تعریف می شود. این خود نوعی عدم تطابق عنوان و معنوی صوری سازی قرارداد است.

علاوه بر آن، اختیار خرید و فروش که وجه تمایز توافق باخرید اسلامی با توافق باخرید ربوی است، بیان می دارد که دارنده اوراق می تواند مملوک خویش را به غیر از فروشنده نیز بفروشد. این امر دارای ابهام است، چون ما می بینیم که اوراق خریداری شده در پایان سررسید

معمولاً به دست صاحب اولیه خود بازمی‌گردد. مگر این‌که قائل شویم که اوراق فروخته شده در تاریخ سررسید مشابه اوراق اول است، نه عین آن. البته باید توجه داشت این‌که در دستورالعمل نیز امکان بازگشت اوراق وجود دارد و این امر شبهه بیع‌العینه بودن را تقویت می‌نماید. پس قصد و اراده خرید و فروش در عقد بیع دچار خدشه است، زیرا طرفین اراده کرده‌اند که پس از سررسید قرارداد، اوراق بهادار خود را از طرف مقابل معامله دریافت کنند و وجه آن را بپردازند. این نیز نشان‌دهنده عدم تطابق عنوان قرارداد با اراده و قصد طرفین معامله است.

۲-۶. اطلاع از وجود مستندات و فاکتورهای غیرواقعی در ابزار توافق بازخريد

بانک مرکزی قرارداد توافق بازخريد را تنظیم و بر آن نظارت می‌کند. برای همین بانک‌ها نمی‌توانند در مفاد قرارداد تغییری ایجاد نموده و زمینه فاکتورسازی را فراهم کنند، مگر در مواردی که بعضی بندهای قرارداد طبق توافق طرفین تعیین می‌شود. در موارد توافقی امکان تبانی توسط طرفین قرارداد وجود دارد، مثلاً در قیمت‌گذاری اوراق در تاریخ سررسید یا در هزینه‌های مبادله و انتقال که این امر در تبادلات بین‌بانکی به چشم نمی‌خورد و شفافیت لازم را داراست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق با مقایسه مفاد دستورالعمل ابزار توافق بازخريد (ریپو) اسلامی بازار بین‌بانکی ایران با ۶ معیار معرفی شده در شناخت قراردادهای صوری، مشخص شد که معیارهای عدم آگاهی طرفین از مفاد قرارداد و محاببات مبتذل، بر ابزار تودیع سپرده و توافق بازخريد صادق است و لذا صوری‌سازی در این قراردادها مشاهده می‌شود.

در توافق بازخريد بین‌بانکی قیمت فروش اوراق از طرف بانک دارای کسری مشخص است، اما قیمت مبنای دارایی پایه، قیمت مبنای اوراق بهادار، قیمت پایانی در آخرین روز کاری فرابورس ایران است که این قیمت در آینده محقق می‌شود و فعلاً مشخص نیست. شاید گفته شود که اگر قیمت آتی به صورت تقریبی هم مشخص شود، صحیح است. باید گفت اولاً این‌که قیمت باید مشخص باشد، نه تقریباً مشخص؛ دوم این‌که اگر اقتصاد دچار شوک‌های بزرگ شود، نمی‌توان قیمت حدودی نیز تعیین کرد. برای حل این مشکل، باید بانک مرکزی با بررسی شرایط اقتصادی اقدام به استفاده از این ابزار داشته باشد. در غیر این صورت، شاهد نوعی عدم آگاهی به مفاد قرارداد هستیم؛ قیمت روز فروش اوراق توسط خریدار اوراق در آینده

مشخص می‌شود، همچنین در اقتصادهایی که دچار شوک‌های زیاد و غیر قابل پیش‌بینی است و تزلزل قیمتی وجود دارد، پیش‌بینی قیمت اوراق در آینده دچار ابهام است و این امر احتمال بروز بیع غرری را افزایش می‌دهد که به اتفاق خاصه و عامه باطل است.

در این دستورالعمل مشخص نیست که حق اختیار خرید و فروش شرط ضمن عقد است یا یک قرارداد انضمامی. در صورت اول شبهه عینه مشروط مطرح است و در صورت دوم ظاهراً درست است. پس معیار عدم آگاهی از مفاد قرارداد نیز در فرض اول صادق خواهد بود.

اگر بانک فروشنده اوراق، قیمتی بسیار بالاتر از قیمت متعارف برای اوراق خود تعیین کند یا این‌که بانک خریدار قیمت‌گذاری خیلی کمتری نسبت به قیمت واقعی اوراق اعمال کند، مابه‌التفاوتی که بر اثر فاصله قیمت‌گذاری طرفین به وجود می‌آید، بیشتر از حد عرفی است و این امر احتمال غرری شدن معامله را زیاد می‌کند. طبق موازین شرع، ارزش‌گذاری بیش از حد عقلی و عرفی مردود است و اگر اتفاق بیفتد، مانند حیل نامشروع رایج ربا در بازار این امر زمینه را برای صوری‌سازی قرارداد ایجاد می‌کند.

بانک‌ها مطابق دستورالعمل حاضر می‌توانند با توافق باخرید نزد یکدیگر سپرده‌گذاری کنند. سپرده‌گذاری نوعی امانت‌گذاری است که در آن، مالکیت برای سپرده‌پذیر موضوعیت ندارد. او در بهترین حالت می‌تواند وکالت سپرده‌ها را قبول کند، در حالی که در دستورالعمل بانک مرکزی فقط بیع بیان شده است، نه وکالت و این نوعی تناقض است، چراکه در صورت وکالتی بودن منابع، باید اولاً در سررسید، اوراق به صاحبش بازگردد و بانک خریدار نمی‌تواند آن‌ها را به شخص دیگری غیر از مالک اوراق بفروشد، در حالی که اختیار خرید و فروش این امر را نمی‌رساند و دلالت بر این دارد: بانکی که اوراق در دست او است می‌تواند آن را به مؤسسه‌ای غیر از صاحب اولیه اوراق بفروشد. این امر نشان می‌دهد که سپرده‌گذاری صورت نگرفته است، بلکه بانک صاحب اوراق، مالک آن است و می‌تواند آن را به سایرین بفروشد، در حالی که مالکیت اوراق در توافق باخرید وارد نیست. به همین خاطر حتی اگر اصل توافق باخرید را از این مسیر غیرصوری بدانیم، با مشکل صوری بودن قرارداد اولیه بین بانک دارای مازاد با مشتریانش مواجه می‌شویم و قراردادی صوری، زمینه‌ساز قراردادی دیگر شده است، پس لوازم عرفیه قرارداد در موضوع بحث ما دارای ابهام است که خود زمینه‌ساز بروز معضل صوری‌سازی است.

برای رفع مشکل عینۀ مشروط در توافق بازخرید، به جای تعهد خرید از لفظ اختیار خرید و فروش استفاده شده است، پس عنوان بیع به ظاهر درست می‌شود، اما آنچه در عمل انجام می‌شود این است که اولاً در تاریخ سررسید، مالک اوراق مجدداً بانک فروشنده است و اختیار فروش به دیگران توسط بانک خریدار اوراق به صورت لفظی وارد شده است. مؤید این امر آن است که در صورت عدم انجام تعهد بانک فروشنده یا خریدار وجه تضمین توسط بانک مرکزی به اجرا گذاشته شده و به حساب بانک ذی حق واریز می‌شود. به عبارتی ملکیت اوراق توسط بانک خریدار، محدود و وابسته به انجام تعهدات خود (فروش به صاحب اوراق یا از طرف فروشنده تعهد به خرید مجدد اوراق) است که این امر با ذات بیع در تنافی است، بعلاوه دارنده اوراق می‌تواند مملوک خویش را به غیر از فروشنده نیز بفروشد. این امر دارای ابهام است، چون ما شاهد آن هستیم که اوراق خریداری شده در پایان سررسید معمولاً به دست صاحب اولیۀ خود بازمی‌گردد. پس قصد و اراده خرید و فروش در عقد بیع دچار خدشه است و معیار عدم تطابق عنوان و معنوی نیز صادق است.

توافق بازخرید شامل مجموعه‌ای از قراردادها است، نه یک قرارداد. تعدد قراردادها می‌تواند پیچیدگی ایجاد کرده و نظارت دقیق را مشکل‌تر کند. همچنین راه‌های بیشتری برای صوری‌سازی ایجاد فراهم آورد. بانک مرکزی بعد از اعلام درخواست فروش اوراق توسط بانک دارای کسری منابع، به خریداران اطلاع می‌دهد و بعد از تعیین خریدار، بین آن‌ها قرارداد فروش را در قالب عقد بیع تنظیم می‌کند.^{۱۰} این پایان قضیه نیست. در مرحله بعد، بانک مرکزی قرارداد اختیار خرید را منعقد می‌کند^{۱۱} و سپس در مرحله بعد قرارداد اختیار فروش را منعقد می‌کند.^{۱۲} تنها اشکالی که به این ابزار وارد است، این است که به صورت شفاف مشخص نیست اختیار خرید و فروش در قراردادی انضمامی شکل می‌گیرد. با وجود این، مشخص نبودن شرط یا قرارداد انضمامی، دلیل بر صوری بودن نیست. نتیجه این‌که معیار درهم تنیدگی عقود در محل بحث ما صادق نیست.

در توافق بازخرید، بانک مرکزی قرارداد را تنظیم و بر آن نظارت می‌کند. برای همین بانک‌ها نمی‌توانند در مفاد قرارداد تغییر ایجاد کنند، مگر در مواردی که طبق توافق طرفین تعیین

۱۰. دستورالعمل اجرایی عملیات بازار باز، نحوه انجام معاملات، ماده ۳، ص ۲۸.

۱۱. همان، ماده ۴، ص ۲۸.

۱۲. همان، ماده ۵، ص ۲۸.

می شود، مثلاً در قيمت‌گذاري اوراق در تاريخ سررسيد يا در هزينه‌های مبادله و انتقال که اين امر در تبادلات بين بانکی به چشم نمی خورد و شفافيت لازم را داراست. پس معيار آگاهی به وجود فاکتورهای غيرواقعی صادق نیست.

از آنچه بيان شد می توان نتيجه گرفت که به دليل وجود معضل صوری سازی در ابزار توافق بازخريد و تغيير ماهيت عقد به عقد قرض ربوی، مشروعيت اين ابزار دچار خدشه است و نياز به بازنگری بيشتر در سازوکار اجرائی ابزار توافق بازخريد اسلامی در بازار بين بانکی احساس می شود.

پيشنهادها

با توجه به مشکلاتی که در دستورالعمل حاضر وجود دارد، پيشنهاد می شود که منظور جلوگیری از صوری شدن اين قراردادها در نظام بانکی ايران چند امر رعايت شود: بانک مرکزی از ساير ابزاهای موجود برای کاهش کسری بانک‌ها تلاش نماید، برای مثال محاسبه نرخ ذخيره قانونی متناسب با عملکرد بانک‌ها می تواند تشويق بانک‌ها به کاهش زیان انباشته و بازآرایی ترازنامه متناسب را در پی داشته باشد.

برای استفاده از اين ابزار نیز لازم است تغييراتی در دستورالعمل حاضر رخ دهد. اولاً به شرط حق اختيار خريد و فروش به عنوان شرط انضمامی تصريح گردد؛ ثانياً در توافق طرفینی بين بانک‌ها، هرچند رقابت وجود دارد، دامنۀ تغييرات بايد با نظارت بانک مرکزی تعيين شود تا از غرری شدن و صوری شدن قراردادها جلوگیری شود؛ ثالثاً در دستورالعمل از امکان سپرده‌گذاري بانک‌ها که یکی از روش‌های صوری شدن قرارداد بود جلوگیری شود؛ از سوی ديگر می توان با تشکيل یک صندوق اتکایی برای بانک‌ها که بتواند در بازه‌های زمانی کوتاه مدت نیز مداخلاتی در بازار داشته باشد، از پيچيدگی قراردادها کاست تا با معضل صوری سازی مواجه نگردند.

فهرست منابع

۱. ابن قدامه، ابو محمد. (۱۴۱۷ق). **المغنی**. ج ۴. ریاض: دار عالم الکتب.
۲. الهام، صادق؛ شاه چراغ، سید محمد صادق. (۱۴۰۱ش). «تحلیل فقهی توافق بازخريد موسوم به رپیو». **تحقیقات مالی اسلامی**، س ۱۱، ش ۲ (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۳۸۶ش). **کتاب المکاسب**. قم: مجمع فکر الاسلامی.
۴. انصاری، مسعود؛ طاهری، محمد علی. (۱۳۸۴ش). **دانشنامه حقوق خصوصی**. تهران: محراب فکر.
۵. آهنگران، محمد رسول. (۱۳۹۲ش). «نگاهی نوین به قاعده تبعیت عقد از قصد با تأکید بر کاربردهای آن در بانک اسلامی». **معرفت اقتصاد اسلامی**، س ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان.
۶. بندرریگی، محمد. (۱۳۷۵ش). **فرهنگ جدید عربی فارسی - ترجمه منجد الطلاب**. تهران: انتشارات اسلامی.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۲ش). **حقوق ثبت**. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. حائری شاه باغ، علی. (۱۳۷۶ش). **شرح قانون مدنی**. ج ۲. تهران: گنج دانش.
۹. روحانی، سید علی؛ بنی طبا، سید مهدی. (۱۴۰۱ش). «ارزیابی سازگاری قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا با ماهیت بانک و امکان سنجی ایجاد سازگاری». **فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی**، د ۲۲، ش ۸۵، بهار.
۱۰. سبزواری، محمد باقر. (۱۴۲۳ق). **کفایة الاحکام**. ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. (۱۳۹۹ش). «سمینار بانکداری اسلامی».
۱۲. صفایی، سید حسین. (۱۳۸۴ش). **قواعد عمومی قراردادها**. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. عشایری منفرد، محمد. (۱۳۹۹ش). «حکم فقهی بازخريد شرط شده در ضمن عقد بيع؛ مطالعه موردی قرارداد رپیو (Repo)». **فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی**، د ۲۰، ش ۷۹، پاییز.
۱۵. عربی، علی بن جعفر. (۱۳۶۸ش). **مسائل علی بن جعفر**. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۶. عیوضلو، حسین؛ میسمی، حسین. (۱۳۸۷ش). «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف». **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، س ۷، د ۸، ش ۳۱، پاییز.
۱۷. کاشف الغطا، محمد حسین. (۱۳۵۹ق). **تحریر المجله**. ج ۱. نجف: المكتبة المرتضوية.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **اصول الکافی**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مالک بن انس. (۱۴۲۵ق). **موطأ الامام مالک**. ج ۴. ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان.
۲۰. محقق النراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). **مستند الشیعه**. ج ۱۴. قم: ستاره.
۲۱. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۰۲ق). **فقه الامام جعفر الصادق**. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۲. معلمی، سید مهدی. (۱۴۰۳ش). «رهیافتی به شناسایی مؤلفه‌های قرارداد صوری». **دوفصلنامه علمی مطالعات فقه اسلامی و مبانى حقوق**، س ۱۸، ش ۴۹، بهار و تابستان.
۲۳. مصباحی، غلامرضا. (۱۳۷۳ش). «پارهای از مشکلات بانکداری بدون ربا». **مجموعه مقالات پنجمین همایش بانکداری اسلامی**. تهران: ناشر نامشخص.

۲۴. موسویان، سید عباس؛ شمس‌نژاد، سعید. (۱۳۹۷ش). «طراحی بازار بین بانکی بر اساس دیدگاه متخصصان فقهی در نظام پولی و مالی». *دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی ایران*، ۱۳، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، پاییز.

۲۵. موسویان، سید عباس؛ الهی، مهدی. (۱۳۸۹ش). «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی». *اقتصاد اسلامی*، ۱۰، ش ۳۸، پاییز.

۲۶. موسویان، سید عباس؛ کاتوزیان، محمدرضا؛ طالبی، محمد؛ حاجیان، محمدرضا. (۱۳۹۴ش). «توافقتنامه باخرید (ریپو) در بازار بین بانکی اسلامی». *اقتصاد اسلامی*، ۱۵، ش ۶۰، زمستان.

۲۷. نظریور، محمدنقی؛ یوسفی شیخ رباط، محمدرضا. (۱۳۹۳ش). «شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴، ش ۳، پاییز.

۲۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۷ش). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام.

29. Bindseil, U. (2014). "*Monetary Policy Operations and the Financial System*".

30. Goodhart, C.; Gabor, D.; Vestergaard, J.; Ertürk. (2014). "*Central Banking at a Crossroads: Europe and Beyond*".

31. Ugolini, S. (2017). *The Evolution of Central Banking Theory and History*. Palgrave Macmillan, U.K., Palgrave Studies in Economic History.